



Statement of the second step of the revolution and the strategic role of NAJA in the field of national economy

Allahmorad Seif¹

Article Type: Research



Received: 2020.9.28

Accepted: 2020.11.4

DOR: 20,1001,1,25381946./SSJ.2021,97992

Abstract

The statement of the second step of the revolution, while presenting a strategic analysis of the process carried out in the first forty years of the revolution and a careful assessment of the current situation, also explained the axes of the revolution in the second step and Therefore, it is an important opportunity for all institutions and governing bodies to adjust their future direction and their path towards achieving the strategic goals of the second step statement. In this article, the role of NAJA resistance economy in this regard has been studied and using analytical-descriptive and meta-analytic methods, while presenting the model of the economic problems of the Islamic Republic of Iran from the perspective of the second step statement, Based on this statement, four strategies of endogenization, productivity, democratization of the economy and extraversion were enumerated And for each of these four strategies, the relevant components and sub-components are extracted and then the supporting roles as well as the practical action of NAJA in each of the sub-components are identified and introduced. In this study, in total, 30 components and 120 subcomponents have been extracted for the four strategies. Finally, studies show that in 65 actions, NAJA has a cooperative role with the executive apparatus and in 25 actions is responsible for practical action. In other words, in 54% of the cases, in 54% of the cases, the NAJA has a cooperative role and in 20% of the cases, it has the responsibility for practical and direct action.

Key Words

Second Step Statement, Resistance Economics, NAJA, Cooperation, Practical Action

1. Professor, Faculty of Management and Economics, Imam Hossein University, Tehran, Iran, seif.1338@gmail.com

بیانیه گام دوم انقلاب و نقش راهبردی ناجا در عرصه اقتصاد ملی

اله مراد سیف^۱

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۹/۸/۱۴

تاریخ دریافت: ۹۹/۷/۷



فصلنامه مطالعات راهبردی ناجا، سال ششم، شماره ۳ (پیاپی ۲۱) - پاییز ۱۴۰۰* ۲۱-۵

DOR: 20,1001,1,25381946./SSJ.2021,97992

چکیده

بیانیه گام دوم انقلاب ضمن ارائه تحلیلی راهبردی از فرآیند طی شده در گام چهل ساله اول انقلاب و ارزیابی موشکافانه از وضعیت فعلی، محورهای حرکت انقلاب در گام دوم را نیز تبیین نموده و از این جهت، فرصتی ذی‌قیمت برای همه نهادها و دستگاه‌های حاکمیتی است تا جهت‌گیری آینده خود و مسیر حرکت خود را در جهت تحقق اهداف راهبردی بیانیه گام دوم تنظیم نمایند. در این مقاله، نقش اقتصاد مقاومتی ناجا در این راستا بررسی شده است و با استفاده از روش تحلیلی - توصیفی و نیز فراتحلیل، ضمن ارائه الگوی نظام مسائل اقتصادی جمهوری اسلامی ایران از منظر بیانیه گام دوم، مبتنی بر این بیانیه، چهار راهبرد درون‌زایی، مولد شدن، مردمی کردن اقتصاد و برون‌گرایی احصاء و برای هر یک از این چهار راهبرد، مولفه‌ها و زیرمولفه‌های مربوط استخراج و سپس نقش‌های همیاری و نیز اقدام عملی ناجا در هر یک از زیرمولفه‌ها شناسایی و معرفی گردیده است. در این بررسی، در مجموع، برای راهبردهای چهارگانه، ۳۰ مولفه و ۱۲۰ زیرمولفه استخراج شده است. در نهایت، بررسی‌ها نشان می‌دهد که ناجا در ۶۵ اقدام نقش همیاری با دستگاه‌های اجرایی و در ۲۵ اقدام دارای مسئولیت برای اقدام عملی می‌باشد. به عبارت دیگر، در پیاده‌سازی راهبردی چهارگانه مطرح در بیانیه گام دوم انقلاب، در ۵۴ درصد موارد، ناجا نقش همیاری داشته و در ۲۰ درصد موارد نیز دارای مسئولیت برای اقدام عملی و مستقیم می‌باشد.

واژگان کلیدی

بیانیه گام دوم، اقتصاد مقاومتی، ناجا، همیاری، اقدام عملی

مقدمه

مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) به‌عنوان نظریه‌پرداز انقلاب اسلامی در بیش از سه دهه از دوران رهبری حکیمانه خود، بیانات مبسوطی را در مسئله اقتصاد ایراد داشته‌اند و بدون تردید، در این

۱. استاد دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران، ایران، seif.1338@gmail.com

زمینه، صاحب سبک و مکتب اقتصادی ویژه‌ای هستند که برخاسته از مکتب اقتصادی اسلام و نیز نظریه انقلاب اسلامی است و می‌تواند در "الگوی اقتصاد مقاومتی" خلاصه شود. بحث سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی از این جهت اهمیت ویژه‌ای دارند که نسخه‌های کارشناسی مورد تأیید مقام معظم رهبری برای حل مسائل اقتصادی را در بندهای ۲۴ گانه خود خلاصه کرده‌است.

بیانیه گام دوم انقلاب در ۲۲ بهمن ۱۳۹۷ از جانب مقام معظم رهبری خطاب به ملت ایران منتشر گردید و نوعی بازخوانی حرکت چهل ساله انقلاب پس از پیروزی و نیز تبیین‌کننده خطوط راهبردی برای چهل سال بعدی انقلاب است و از این جهت، یک سند مهم در اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران به‌شمار می‌رود. در این بیانیه، ضمن تأکید بر نقش مهم اقتصاد در جامعه اسلامی و تصریح نقش تحریم‌ها در آن، بر سیاست‌های اقتصاد مقاومتی به‌عنوان یک راه کار تصریح شده و بر لزوم تهیه برنامه‌های اجرایی برای همه بخش‌های این سیاست‌ها نیز تأکید گردیده‌است. این مقاله، در پی تبیین نقش نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران در محور اقتصاد بیانیه گام دوم و به‌طور مشخص، در راستای اقتصاد مقاومتی است و برای این منظور، عناوین زیر مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت:

۱. بیانیه گام دوم و اقتصاد مقاومتی؛
۲. مسئله‌شناسی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران از منظر بیانیه گام دوم؛
۳. تبیین نقش ناجا در پیاده‌سازی راهبردهای اقتصادی بیانیه گام دوم.

بیانیه گام دوم و اقتصاد مقاومتی

بیانیه گام دوم انقلاب که در ۲۲ بهمن ۱۳۹۷ از جانب مقام معظم رهبری خطاب به ملت ایران منتشر گردید، در جامعیت خود، از سه جهت حائز اهمیت است. اول اینکه، این بیانیه تحلیلی جامع از تجربه چهل سال اول انقلاب و فراز و فرودهای این حرکت عظیم تاریخی ارائه داده‌است و در آینه این تحلیل، می‌توان نقاط قوت و ضعف را در اندازه درست و دقیق خود مشاهده کرد و فرآیند طی شده را به نظاره نشست. دوم اینکه این بیانیه، خود، حاوی روش‌شناسی مشخصی برای تحلیل مسائل انقلاب و ارائه‌دهنده یک زاویه نگاه برای محققانی است که می‌خواهند به‌صورت تخصصی‌تر در مسائل انقلاب اندیشه‌ورزی کرده و جهت‌گیری انقلاب و نظام جمهوری اسلامی را مورد بررسی و تحلیل قرار دهند. سوم اینکه، این بیانیه ترسیم‌کننده افق آینده در گام دوم برای طی طریق انقلاب اسلامی است؛ بنابراین، تمام سیاست‌هایی که برای ساختن آینده تدوین خواهند شد و نیز

تمام راهبردهایی که برای این منظور در نظر گرفته می‌شوند، می‌بایست خود را با این جهت‌گیری تطبیق دهند.

موضوع اقتصاد در بیانیه گام دوم با عبارتهای زیر مورد اشاره قرار گرفته‌است:

اقتصاد یک نقطه کلیدی تعیین‌کننده است. اقتصاد قوی، نقطه قوت و عامل مهم سلطه‌ناپذیری و نفوذناپذیری کشور است و اقتصاد ضعیف، نقطه ضعف و زمینه‌ساز نفوذ و سلطه و دخالت دشمنان است. فقر و غنا در مادیات و معنویات بشر، اثر می‌گذارد. اقتصاد البته هدف جامعه اسلامی نیست، اما وسیله‌ای است که بدون آن نمی‌توان به هدف‌ها رسید. تأکید بر تقویت اقتصاد مستقل کشور که مبتنی بر تولید انبوه و باکیفیت، توزیع عدالت‌محور، مصرف به‌اندازه و بی‌اسراف، و مناسبات مدیریتی خردمندانه است و در سال‌های اخیر از سوی این‌جانب بارها تکرار و بر آن تأکید شده، به‌خاطر همین تأثیر شگرفی است که اقتصاد می‌تواند بر زندگی امروز و فردای جامعه بگذارد. انقلاب اسلامی راه نجات از اقتصاد ضعیف و وابسته و فاسد دوران طاغوت را به ما نشان داد؛ ولی عملکردهای ضعیف، اقتصاد کشور را از بیرون و درون دچار چالش ساخته‌است. چالش بیرونی تحریم و وسوسه‌های دشمن است که در صورت اصلاح مشکل درونی، کم‌اثر و حتی بی‌اثر خواهد شد. چالش درونی عبارت از عیوب ساختاری و ضعف‌های مدیریتی است. مهم‌ترین عیوب، وابستگی اقتصاد به نفت، دولتی بودن بخش‌هایی از اقتصاد که در حیطه وظایف دولت نیست، نگاه به خارج و نه به توان و ظرفیت داخلی، استفاده اندک از ظرفیت نیروی انسانی کشور، بودجه‌بندی معیوب و نامتوازن و سرانجام، عدم ثبات سیاست‌های اجرایی اقتصاد و عدم رعایت اولویت‌ها و وجود هزینه‌های زائد و حتی مسرفانه در بخش‌هایی از دستگاه‌های حکومتی است. نتیجه اینها مشکلات زندگی مردم از قبیل بیکاری جوان‌ها، فقر درآمدی در طبقه ضعیف و امثال آن است. راه‌حل این مشکلات، سیاست‌های اقتصاد مقاومتی است که باید برنامه‌های اجرایی برای همه بخش‌های آن تهیه و با قدرت و نشاط کاری و احساس مسئولیت، در دولت‌ها پیگیری و اقدام شود. درون‌زایی اقتصاد کشور، مولد شدن و دانش‌بنیان شدن آن، مردمی کردن اقتصاد و تصدی‌گری نکردن دولت، برون‌گرایی با استفاده از ظرفیت‌هایی که قبلاً به آن اشاره شد، بخش‌های مهم این راه‌حل‌ها است. بی‌گمان یک مجموعه جوان و دانا و مؤمن و مسلط بر دانسته‌های اقتصادی در درون دولت خواهند توانست به این مقاصد برسند. دوران پیش‌رو باید میدان فعالیت چنین مجموعه‌ای باشد.

جوانان عزیز در سراسر کشور بدانند که همه راه‌حل‌ها در داخل کشور است. اینکه کسی گمان کند که مشکلات اقتصادی صرفاً ناشی از تحریم است و علت تحریم هم مقاومت ضد استکباری و تسلیم نشدن در برابر دشمن است؛ پس راه‌حل، زانو زدن در برابر دشمن و بوسه زدن بر پنجه گرگ است، خطایی نابخشودنی است. این تحلیل سراپا غلط، هرچند گاه از زبان و قلم برخی غفلت‌زدگان داخلی صادر می‌شود، اما منشأ آن، کانون‌های فکر و توطئه خارجی است که با صد زبان به تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران و افکار عمومی داخلی القا می‌شود. به طور مشخص، در این بیانیه، ضمن تأکید بر نقش مهم اقتصاد در جامعه اسلامی و تصریح به نقش تحریم‌ها در آن، نخست، همه مشکلات اقتصادی را ناشی از تحریم نمی‌داند و دوم، راه‌کار مقابله با تحریم و حل مشکلات اقتصادی را در داخل و تکیه بر ظرفیت‌های داخلی می‌داند و سوم، سیاست‌های اقتصاد مقاومتی را به‌عنوان راه‌کار ارائه داده و بر لزوم تهیه برنامه‌های اجرایی برای تمام بخش‌های این سیاست‌ها تأکید نموده است.

مسئله‌شناسی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران از منظر بیانیه گام دوم

بیانیه گام دوم انقلاب از این جهت که نوعی بازخوانی حرکت چهل‌ساله انقلاب پس از پیروزی و نیز تبیین‌کننده خطوط راهبردی برای چهل سال بعدی است، یک سند مهم در اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران به‌شمار می‌رود. در این بیانیه، اقتصاد به‌عنوان یک محور مهم از محورهای هفت‌گانه مورد نظر مقام معظم رهبری از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ به همین دلیل و نیز به دلیل مواجهه تمام‌قد استکبار جهانی در جنگ اقتصادی با جمهوری اسلامی ایران، مسئله‌شناسی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران از ضرورتی آشکار برخوردار می‌باشد. در این پژوهش تلاش شده است که با بررسی دیدگاه مطرح‌شده از جانب مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم و سایر نقطه‌نظرات اقتصادی معظم‌له که در مناسبت‌های مختلف بیان داشته‌اند و نیز بهره‌گیری از مطالعات زیاد نویسنده در موضوع اقتصاد مقاومتی در طول بیش از ده سال گذشته، الگوی نظام مسائل اقتصادی جمهوری اسلامی ایران استخراج گردد. الگوی حاضر که به‌نوعی معماری کلان نظام مسائل را هدف گرفته است، بدون تردید، در اجرا نیازمند مطالعات دقیق‌تر در هر یک از شاخه‌های موضوع بوده و به‌طور حتم، همفکری کارشناسان دستگاه‌های اجرایی و مراکز مطالعاتی مربوط را طلب می‌کند. در حقیقت، الگوی حاضر به ما کمک خواهد کرد که جای علت و معلول‌ها را به‌درستی تشخیص داده و از ارتباط نظام‌مند مسائل پیچیده اقتصادی مطلع شویم.

در روش‌شناسی الگوی کلان نظام مسائل در پژوهش حاضر، از الگوی داده‌بنیاد الهام گرفته شده‌است که در آن، مسائل محوری اقتصاد ملی مشخص و عوامل سه‌گانه علی، زمینه‌ای و واسطه‌ای ایجادکننده مسائل محوری تشخیص داده شده‌است و در ادامه، راهبردها و سپس پیامدهای راهبردی مشخص شده‌اند.

الف. عوامل علی (ساختاری) که ریشه سایر مسائل در اقتصاد ایران می‌باشند:

۱. نفتی بودن اقتصاد (شرایطی که درآمد حاصل از نفت، سهم برجسته و تأثیرگذاری در یک اقتصاد داشته باشد)؛

۲. دولتی بودن اقتصاد (شرایطی که دولت‌ها در نقش یک کارفرمای بزرگ اقتصادی نقش تعیین‌کننده‌ای را در اقتصاد ایفا می‌کنند).

ب. عوامل زمینه‌ای (مناسبات نهادی) که در ایجاد مسائل اقتصادی به‌عنوان عواملی که به‌صورت نهادی بستر تداوم و تشدید مسائل محوری را ایجاد می‌کنند، مطرح می‌شوند:

۱. نظام برنامه‌ریزی و بودجه‌بندی (مجموعه سازوکارهای برنامه‌ریزی اقتصادی و بودجه‌بندی سالیانه دولت‌ها در اقتصاد ملی)؛

۲. نظام تأمین مالی تولید (مجموعه سازوکارهایی که نتیجه آنها فراهم‌سازی منابع مالی برای تولید است و شامل نظام بانکی، بازار سرمایه (یا بازار بورس اوراق بهادار) و نیز بازار بیمه می‌باشد)؛

۳. نظام مالیاتی (سازوکاری که تعیین مالیات و مالیات‌ستانی توسط دولت از عوامل اقتصادی مصرف‌کننده و تولیدکننده را فراهم می‌آورد)؛

۴. اقتصاد غیررسمی (آن بخش از اقتصاد ملی که خارج از چتر قانون وجود دارد و شامل اقتصاد غیربازاری، اقتصاد فعالیت‌های خرد بازاری غیررسمی و نیز فعالیت‌های مجرمانه زیرزمینی مانند قاچاق و تولیدات غیرقانونی می‌باشد).

ج. عوامل واسطه‌ای که در واقع، مناسبات مدیریتی در اقتصاد ملی می‌باشند و در تداوم و تشدید مسائل محوری نقش دارند:

۱. نگاه به خارج در مدیریت اقتصادی (یک نگاه ویژه در مدیریت راهبردی اقتصاد ملی که اعتقاد دارد راه کار حل مسائل داخلی در حل تعارضات خارجی اقتصاد است و بنابراین، به‌منظور عادی‌سازی روابط خارجی اقتصاد و ایجاد پیوند اقتصادی با جهان تلاش می‌کند و بدون طی چنین مسیری، حل مسائل داخلی را غیرممکن می‌داند)؛

۲. بی‌ثباتی سیاستی (شرایطی که در آن، یک کشور به صورت مداوم و غیرقابل پیش‌بینی سیاست‌های اقتصادی خود را تحت تأثیر شرایط بی‌ثبات محیطی تغییر داده و برای سیاست‌های اقتصادی، فارغ از پاسخ به شرایط محیطی موضوعیت دیگری قائل نمی‌باشد)؛

۳. هزینه‌های زاید در بخش عمومی (آن بخش از هزینه‌های عمومی که با کاهش و یا حذف آنها تغییر محسوسی در عملکرد واقعی فراهم‌سازی خدمات در بخش عمومی اتفاق نخواهد افتاد و سطح رفاه عمومی تغییر چندانی نخواهد کرد)؛

۴. عدم رعایت اولویت‌ها (شرایطی که در آن، هزینه‌های عمومی به مصارفی تعلق می‌گیرد که از اهمیت و یا ضرورت بالایی برخوردار نیستند).

د. مسائل محوری که نتیجه عوامل علی، زمینه‌ای و واسطه‌ای می‌باشند و دیگر مسائل اقتصادی را نتیجه می‌دهند:

۱. ضعف و بی‌ثباتی رشد اقتصاد ملی (کاهش و یا رشد اندک تولید ناخالص داخلی و همچنین، بی‌ثباتی نرخ رشد آن و فقدان یک رشد با ثبات تولید ملی)؛
۲. ضعف در عدالت اقتصادی (فقدان شرایط مطلوب از نظر معیارهای عدالت اقتصادی مانند توزیع نامناسب امکانات عمومی و نیز توزیع بسیار نابرابر درآمدها میان دهک‌های مختلف و ثروت در جامعه)؛
۳. ضربه‌پذیری اقتصاد ملی (شرایطی که اقتصاد ملی را در برابر تکانه‌های مختلف آسیب‌پذیر می‌سازد).

ه. راهبردهای اساسی اقتصاد ایران برای حل مسائل محوری مبتنی بر سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی:

۱. راهبردهای درون‌زایی اقتصاد ملی (راهبردهای که موجب می‌شود تا اقتصاد ملی غیروابسته به متغیرهای برون‌زا و متکی بر ظرفیت‌های درونی خود شرایط مناسب رشد بهره‌وری و رشد تولید ملی را تجربه کند)؛
۲. راهبردهای مولد شدن و دانش‌بنیانی (راهبردهایی که موجب می‌گردد تا فرآیند تبدیل علم به ثروت در اقتصاد فراگیر شود)؛
۳. راهبردهای مردمی کردن اقتصاد ملی (راهبردهایی که موجب افزایش حضور، نقش و مشارکت مردم در فعالیت‌های اقتصادی و نیز تولید ثروت می‌گردد)؛
۴. راهبردهای برون‌گرایی مبتنی بر ظرفیت‌ها (راهبردهایی که ظرفیت‌های داخلی را به

نیازهای منطقه و خارج از مرزها پیوند داده و موجب حضور ماندگار کشور در بازارهای هدف صادراتی می‌گردد).

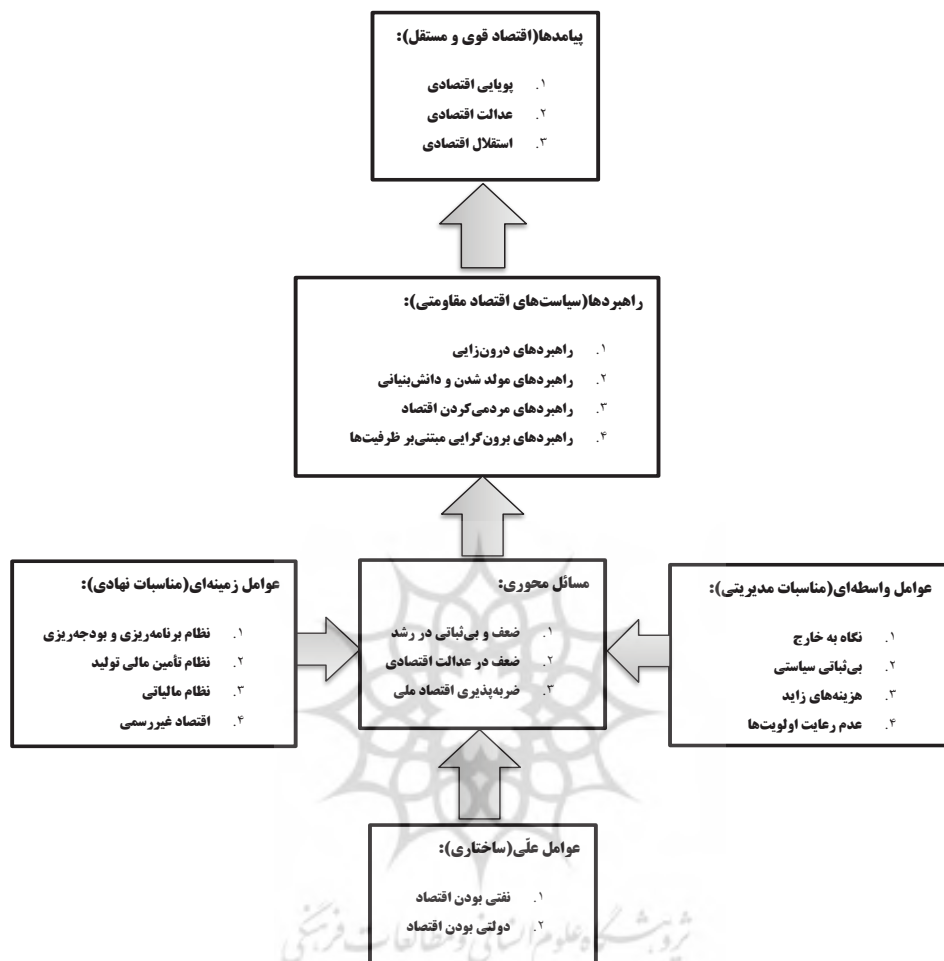
و. پیامدهای راهبردی در شرایطی که راهبردها پیاده‌سازی شوند (اقتصاد قوی و مستقل با سه مولفه اساسی):

۱. پویایی اقتصادی (شرایطی که با شکوفایی اقتصادی موجب تبدیل منابع به ثروت با ارزش افزوده بالا و به‌صورتی پایدار می‌گردد)؛

۲. عدالت اقتصادی (شرایطی که مبتنی بر معیارهای اسلامی شکاف‌های طبقاتی را برطرف و توازن اقتصادی مناسبی در برخورداری‌ها میان اقشار، جمعیت‌ها، قومیت‌ها و مناطق ایجاد می‌کند)؛

۳. استقلال اقتصادی (شرایطی که موجب می‌شود تا اقتصاد کشور بتواند با ایجاد تقارن در وابستگی‌های متقابل در تعامل با اقتصاد بین‌الملل آسیب‌پذیری خود را به حداقل ممکن کاهش دهد).





نمودار ۱. الگوی داده‌بنیاد مسائل اقتصاد ایران مبتنی بر بیانیه گام دوم انقلاب

تبیین نقش ناجا در پیاده‌سازی راهبردهای اقتصادی بیانیه گام دوم

گسترده‌گی وظایف نیروی انتظامی به صورت طبیعی آن را با هر موضوع ملی در ابعاد مختلف درگیر می‌سازد و موضوع مهم اقتصاد مقاومتی نیز از این حکم مستثنی نمی‌باشد. به طور کلی، رفاه و امنیت دو خواست اولیه و مهم هر جامعه انسانی است که باگذشت زمان و پیشرفت‌های فنی، از قدر و منزلت هیچ‌یک کاسته نشده و به‌روزی و سعادت انسان‌ها در گرو تأمین هم‌زمان سطح قابل قبولی از هر دوی آنها می‌باشد. درحالی‌که رفاه کالایی است که به‌طور عمده، توسط بخش خصوصی (و البته

با اقدامات جبرانی دولت‌ها در موارد خاص) تولید می‌شود، امنیت کالایی عمومی است که تولید آن تنها از عهده دولت‌ها ساخته است و فراهم‌سازی آن هم مانند هر کالای دیگری بدون هزینه نیست. در نگرش اقتصادی، هزینه تولید امنیت، در نهایت، تأمین بخشی از رفاه عمومی می‌باشد که در زمینه تجهیز منابع لازم برای ایجاد امنیت صرف می‌شود؛ از این جهت، تولید امنیت به هر قیمت، پسندیده نیست و بنابراین، کارآمدی دولت‌ها در تولید امنیت از حساسیت زیادی در عصر حاضر برخوردار است. اقتصاد مقاومتی به‌عنوان یک نگرش از یک سو، کارآمدی سازمان‌های تولیدکننده امنیت را در استفاده از منابعی که اقتصاد در اختیار آنها قرار داده‌است، مورد سؤال قرار می‌دهد و از سوی دیگر، نقش آنها را در ایجاد زمینه برای اجرای سیاست‌ها و تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی کنکاش می‌کند. از هر دو زاویه، ارزیابی نسبت میان کارکردهای هر سازمان عمومی با اقتصاد مقاومتی قابل بررسی و مذاقه می‌باشد.

در این مقاله، به بررسی نقش ناجا در پیاده‌سازی راهبردهای اقتصاد مقاومتی مبتنی بر بیانیه گام دوم خواهیم پرداخت و مبتنی بر الگوی استخراج‌شده در بخش قبل، به‌طور مشخص، چهار راهبرد زیر مورد توجه قرار خواهد گرفت:

۱. راهبردهای درون‌زایی؛

۲. راهبردهای مولد شدن و دانش‌بنیانی؛

۳. راهبردهای مردمی کردن اقتصاد؛

۴. راهبردهای برون‌گرایی مبتنی بر ظرفیت‌ها.

نیروی انتظامی به‌طور خاص می‌تواند در هر یک از راهبردهای چهارگانه، نقش تسهیل‌کننده و یا همیاری را بر عهده داشته باشد. برای بررسی دقیق‌تر موضوع لازم است که مولفه‌ها و زیرمولفه‌های هر یک از راهبردهای چهارگانه احصا شود و سپس نقش ناجا در هر یک از زیرمولفه‌ها مورد مذاقه قرار گیرد.

۱. راهبرد درون‌زایی در اقتصاد ایران و نقش ناجا در آن

درون‌زایی به مفهوم ابتدای رشد اقتصاد ملی بر ظرفیت‌ها و منابع داخلی و قطع وابستگی رشد اقتصادی به متغیرهای برون‌زای محیطی است. به‌طور مشخص، انتقال از وضعیت فعلی که درآمدهای نفتی تعیین‌کننده شرایط رونق و رکود تولید داخلی است به وضعیتی که رشد تولید ملی درون‌زا بوده و از ظرفیت‌های داخلی و افزایش بهره‌وری منابع سرچشمه می‌گیرد. مهم‌ترین مولفه‌ها و زیرمولفه‌های راهبردهای درون‌زایی به قرار زیر است:

ردیف	مولفه های راهبردی درون زایی	زیر مولفه های راهبردی درون زایی	همیاری	اقدام عملی
۱	اصلاح ساختارهای حمایتی در اقتصاد	اصلاح ساختارهای تعرفه های تجاری		
		هدفمند و کارآمدسازی بارانه های تولیدی		
		ایجاد ساختار شفاف برای کمک های بلاعوض		
		هدفمند و کارآمدسازی حمایت از تولید		
۲	اصلاح نظام انگیزشی تولید	تنبیه مالیاتی فعالیت های غیر مولد		
		برخورد با فعالیت های سوداگری	*	
		جبران هزینه های مستقیم تحریم برای تولید		
		بالا بردن هزینه ارتکاب فساد و مفت خواری		
۳	چابک سازی بخش عمومی و دولتی در اقتصاد	واگذاری تصدی گری های غیر ضروری		
		توسعه ظرفیت های دولت الکترونیک		
		تمرکززدایی و استفاده از ظرفیت مناطق		
		ارتقای کارآمدی دستگاه قضایی		
۴	افزایش بهره وری عوامل در اقتصاد	اصلاح الگوی کشت و افزایش بهره وری در کشاورزی		
		تجاری سازی تولید و افزایش بهره وری در اقتصاد		
		برنامه ریزی برای کاهش شدت انرژی در اقتصاد		
		سیاست های تشویقی تقویت پیوندهای پسین و پیشین		
۵	بهبود محیط کسب و کار در اقتصاد	حذف قوانین ناکارآمد و دست و پاگیر تولید		
		کاهش هزینه های مبادله برای تولید		
		ایجاد مشوق های مالیاتی برای تولید		
		ایجاد پنجره واحد در اعطای مجوزهای کسب و کار		
۶	مدیریت واردات و صادرات در اقتصاد	مدیریت واردات با محوریت تقویت تولید داخلی		
		مدیریت صادرات با محوریت تأمین نیازهای ارزی		
		تسهیل مقررات و کاهش تشریفات گمرکی		
		مقابله موثر با قاچاق وارداتی و صادراتی		
۷	ایجاد ثبات در محیط کلان اقتصادی	ایجاد انضباط مالی و صفر کردن کسری بودجه		
		کنترل نقدینگی و تورم با کنترل رشد پایه پولی		
		مدیریت موثر نظام ارزی و حذف کسری تجاری		
		تأدیه بدهی های دولت به بخش های غیردولتی		

		ایجاد شفافیت مالیاتی برای همه فعالیت‌ها	ایجاد شفافیت و سلامت اقتصادی در ایران	۸
		شفاف‌سازی در تخصیص منابع ارزی کمیاب یارانه‌ای		
		سازوکار نظارتی دقیق بر عملکرد تسهیلات بانکی تولید		
		مقابله موثر و بازدارنده با مفساد اقتصادی و مالی		

۲. راهبردهای مولد شدن و دانش‌بنیانی در اقتصاد ایران

در کشور ما علم و اقتصاد ارتباطی یا پیوند چندانی با هم نداشته‌اند. در بیان ساده‌تر، تولید علم در کشور ما به تولید ثروت منجر نشده‌است. اقتصاد دانش‌بنیان بدان معنی است که بتوانیم چرخه تبدیل علم به ثروت را تعریف و به وجه غالب در اقتصاد تبدیل کنیم؛ بنابراین، اقتصاد دانش‌بنیان به فرآیند تولید ثروت از علم اطلاق می‌شود. مهم‌ترین مولفه‌ها و زیرمولفه‌های مولد شدن دانش‌بنیانی و نقش ناجا در آن به قرار زیر است:

ردیف	مولفه‌های راهبردی مولد بودن	زیرمولفه‌های راهبردی مولد بودن	همیاری	اقدام عملی
۱	توسعه زیرساخت فناوری اطلاعات و ارتباطات	ارتقای دانش عمومی استفاده موثر از فاوا		
		توسعه کاربردهای فاوا در فعالیت‌های اقتصادی		
		ارتقا و توسعه زیرساخت‌های مخابراتی و دیتا		
		پرورش و ارتقای مهارت‌های حرفه‌ای مرتبط با فاوا		
۲	توسعه و تقویت نظام نهادی مالکیت فکری	تدوین استراتژی و ساختار حمایت از حقوق مالکیت		
		کارآمدسازی نظام قضایی حمایت از حقوق مالکیت		
		شناسایی و حذف عوامل مغایر با حقوق مالکیت		
		تسهیل و حمایت از ثبت مالکیت فکری و پتنت		
۳	برندسازی و تجاری‌سازی محصولات دانشی	تسهیل و حمایت از انتقال و بومی‌سازی فناوری		
		حمایت از برندسازی بنگاه‌های بزرگ داخلی		
		تشویق فن بازارها و انتشار فناوری تولیدشده		
		ایجاد مشوق برای سهم تحقیق و توسعه از تولید ملی		

		حمایت از ایجاد مراکز رشد برای توسعه فناوری	۴	تبدیل دانش به فناوری در اقتصاد
		تعریف، ایجاد و توسعه فن بازارها در کشور		
		کمک به بازاریابی و فروش محصولات فناورانه		
		کمک به تجاری سازی دستاوردهای فناورانه		
		حمایت شتاب دهنده ها و مراکز رشد خصوصی	۵	توسعه پارک های علم و فناوری در اقتصاد
		تأسیس و توسعه مناطق ویژه علم و فناوری		
		تشویق شرکت های بزرگ به ایجاد مراکز رشد		
		تقویت مالی پارک های علم و فناوری دانشگاهی		
		اولویت رفع نیاز واحدهای تولیدی در دانشگاه	۶	ارتباط ساختارمند دانشگاه و صنعت در اقتصاد
		انتقال بودجه پژوهشی دانشگاه ها به مراکز رشد		
		ایجاد نهادهای تسهیل گر ارتباط دانشگاه با صنعت		
		ایجاد بانک جامع مشترک نتایج پژوهش دانشگاهی		
		حمایت از تشکیل و توسعه شرکت های دانش بنیان	۷	شرکت های دانش بنیان
		بازاریابی محصولات شرکت های دانش بنیان داخلی		
		برقراری تعامل بین شرکت های دانش بنیان داخلی		
		ایجاد تعامل شرکت های دانش بنیان و تولیدکننده ها		
		انسجام در سیاست گذاری علم، فناوری و نوآوری	۸	نظام ملی نوآوری در اقتصاد
		تدوین و تصویب نقشه راه ملی توسعه فناوری		
		الزامی کردن واحد تحقیق و توسعه در صنایع بزرگ		
		حمایت صندوق خطرپذیر تأمین مالی فناوری و نوآوری		

۳. راهبردهای مردمی کردن اقتصاد ایران

مردمی کردن اقتصاد، راه سوومی است که سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی بر آن پای فشرده و رهبر معظم انقلاب نیز بر آن تأکید می نمایند. اگرچه هنوز الگوهایی که مردم پایه کردن اقتصاد را نتیجه دهند، به درستی برای ما شناخته شده نیستند؛ با این حال، می توان برنامه هایی را مبتنی بر سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی و برای تحقق این هدف معرفی کرد. در ادامه، مولفه ها و زیرمولفه های مردمی کردن اقتصاد و نقش ناجا در آن آمده است:

ردیف	مولفه‌های مردمی کردن اقتصاد	زیرمولفه‌های راهبردی مردمی کردن اقتصاد	همیاری	اقدام عملی
۱	توسعه منطقه‌ای مبتنی بر مزیت‌های مناطق	حمایت از سرمایه‌گذاری مزیت‌محور در مناطق		
		توسعه صنایع تبدیلی مکمل کشاورزی هر منطقه		
		ایجاد فضای رقابت میان مناطق مختلف		
		کمک دولت به ایجاد توازن در توسعه مناطق		
۲	توسعه بخش تعاونی در اقتصاد	واگذاری بلاعوض مشروط زمین دولتی به تعاونی‌ها		
		ایجاد مشوق‌های مالیاتی موثر برای شرکت‌های تعاونی		
		اولویت در واگذاری اصل ۴۴ به شرکت‌های تعاونی		
		تشویق ایجاد اتحادیه‌های تعاونی زنجیره ارزش		
۳	ساماندهی و اصلاح نظام صنفی در اقتصاد	واگذاری ساماندهی و نظارت بر بازار داخلی به اصناف		
		استفاده از ظرفیت صنفی برای حمایت از مشاغل خرد		
		توسعه صنفی برای رقابتی کردن اقتصاد داخلی		
		توسعه اصناف با هدف تسهیل مجوزهای کسب‌وکار		
۴	الگوی غیرمتمرکز برنامه‌ریزی و توسعه	بهره‌گیری حداکثری از ظرفیت‌های استانی		
		افزایش مشارکت مردم در حکمرانی اقتصادی		
		دادن استقلال برنامه و بودجه‌ای به مناطق		
		توسعه صندوق طرح‌های استانی		
۵	واگذاری طرح‌ها عمرانی به مردم	ایجاد جاذبه برای واگذاری طرح‌های نیمه‌تمام به مردم		
		ایجاد بانک تخصصی برای صندوق طرح‌های عمرانی		
		ایجاد مشوق‌های اعتباری برای واگذاری طرح‌ها		
		مشارکت نهادهای عمومی در اجرای طرح‌ها		
۶	واگذاری شرکت‌های دولتی و برون‌سپاری	اجرای درست قانون سیاست‌های کلی اصل ۴۴		
		واگذاری سهام دولت به مردم از طریق بورس		
		برون‌سپاری خدمات عمومی به جوانان دانشگاهی		
		خصوصی کردن دواير دولتی خدمات عمومی		

۴. راهبردهای برون‌گرایی مبتنی بر ظرفیت‌ها در اقتصاد ایران

ایجاد شرایط برون‌گرایی به معنی دستیابی به توانایی لازم برای بهره‌برداری حداکثری از فرصت‌هایی است که در عرصه بین‌المللی و در فضای خارجی اقتصاد وجود دارد. به عبارت دیگر، برای داشتن تعامل سازنده و موثر با جهان از یک طرف و ایجاد فرصت رشد و اشتغال پایدار داخلی از طرف دیگر، می‌بایست در اقتصاد ملی از قابلیت‌های لازم برای حضور در بازارهای منطقه‌ای و جهانی برخوردار باشیم. مهم‌ترین مولفه‌ها و زیرمولفه‌های راهبرد برون‌گرایی و نقش ناجا در آن به شرح زیر است:

ردیف	مولفه‌های راهبردی برون‌گرایی	زیرمولفه‌های راهبردی برون‌گرایی	همپاری	اقدام عملی
۱	دیپلماسی اقتصادی	تدوین استراتژی مناسب دیپلماسی اقتصادی		
		بهره‌گیری از دیپلمات‌های حرفه‌ای اقتصادی		
		حضور بخش خصوصی در سفرهای سیاسی		
		حضور فعال در بازسازی کشورهای دوست		
۲	افزایش رقابت‌پذیری اقتصادی	سیاست‌گذاری برای توسعه خوشه‌های تولیدی		
		حمایت از زنجیره ارزش و خوشه‌های صادراتی		
		ایجاد و تقویت نشان (برند)‌های تجاری		
		تسهیل خدمات مالی تجاری برای بنگاه‌های صادراتی		
۳	استفاده از ظرفیت مناطق آزاد اقتصادی	ایجاد مراکز ارتقا و انتقال فناوری در مناطق آزاد		
		توسعه صنایع دریایی و فراساحلی		
		جذب سرمایه‌گذار از کشورهای همسایه در مناطق آزاد		
		حمایت از حضور شرکت‌های دانش‌بنیان در مناطق آزاد		
۴	سیاست‌های توسعه صادرات	تدوین نقشه‌راه توسعه تجارت و صادرات		
		انسجام نهادی در حوزه سیاست‌گذاری صادرات		
		ایجاد تنوع صادراتی و جلوگیری از خام‌فروشی		
		حمایت از صادرات خدمات فنی و مهندسی		
۵	دیپلماسی انرژی	تدوین راهبرد و ایجاد انسجام نهادی در دیپلماسی انرژی		
		بهره‌گیری از دیپلماسی انرژی در مدیریت مخاطرات تحریم		
		جلب همکاری مشترک همسایگان در صنعت انرژی		
		بهره‌برداری صیانتی از میادین مشترک		

۶	مشارکت در زنجیره‌های ارزش منطقه‌ای	تکمیل و توسعه بنادر مهم در سواحل دریایی
		فعال‌سازی زمینه‌های هم‌پیوندی اقتصادی منطقه‌ای
		گسترش و ارتقای زیرساخت‌های ترانزیتی
		توسعه زیرساخت‌های ریلی تجارت منطقه‌ای
۷	توسعه سرمایه‌گذاری مشترک منطقه‌ای	شناسایی و اعلام زمینه‌های مشترک سرمایه‌گذاری
		اجرای سرمایه‌گذاری مشترک با همسایگان
		توسعه ظرفیت‌های بازار سرمایه در منطقه
		جذب سرمایه‌گذاری مستقیم ایرانیان مقیم در منطقه
۸	پیمان‌های پولی دوجانبه و چند جانبه	تمهید ترتیبات بانکی لازم برای سوآپ ارزی
		بهره‌گیری از اتحادیه پایاپای آسیایی جهت پیمان پولی
		تلاش جهت انعقاد پیمان‌های دوجانبه با کشورهای هدف
		برطرف‌سازی موانع عملی پیمان‌های پولی منعقدشده

نتیجه‌گیری

نیروی انتظامی با طیف گسترده‌ای از وظایف در برقراری نظم و امنیت روبه‌رو است که ناگزیر بخشی از آن نیز درگیری این نیرو را در برنامه‌های اقتصادی اجتناب‌ناپذیر خواهد کرد. نوع ارتباط نیروی انتظامی با برنامه‌های اقتصادی می‌تواند شامل مواردی از همیاری با دیگر دستگاه‌های اجرایی و یا اقدام عملی باشد که راساً می‌بایست توسط این نیرو در بخشی از فرآیند پیاده‌سازی راهبردهای اقتصادی - از مرحله سیاست‌گذاری گرفته تا پیاده‌سازی و اجرا - انجام پذیرد.

مقام معظم رهبری بیانیه گام دوم انقلاب را در ۲۲ بهمن ۱۳۹۸ ایراد فرمودند که در آن، محور اقتصاد به تفصیل مورد تأکید قرار گرفته‌است و ضمن بیان مسائل، رهنمودهایی برای حل مشکلات ارائه گردیده‌است. در پژوهش حاضر، مبتنی بر این بیانیه، چهار راهبرد درون‌زایی، مولدشدن، مردمی‌کردن اقتصاد و برون‌گرایی احصا گردیده و بر اساس مطالعات قبلی محقق، برای هر یک از این چهار راهبرد، مولفه‌ها و زیرمولفه‌های مربوط استخراج شد و سپس تلاش شد تا نقش همیاری و یا اقدام عملی ناجا در هر یک از زیرمولفه‌ها شناسایی و معرفی شود. در این بررسی، در مجموع، برای راهبردهای چهارگانه ۳۰ مولفه و ۱۲۰ زیرمولفه استخراج شده‌است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که ناجا در ۶۵ اقدام، در نقش همیاری با دستگاه‌های اجرایی و در ۲۵ اقدام دارای مسئولیت برای

اقدام عملی می‌باشد؛ به عبارت دیگر، در پیاده‌سازی راهبردی چهارگانه مطرح در بیانیه گام دوم انقلاب، در ۵۴ درصد موارد، ناجا نقش همیاری و در ۲۰ درصد موارد، دارای مسئولیت برای اقدام عملی و مستقیم می‌باشد.

فهرست منابع

- پریزادی، طاهر؛ میرزا زاده، حجت (۱۳۹۷)؛ "توسعه منطقه‌ای در ایران با رویکرد عدالت توزیعی"، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سال هجدهم، شماره ۵۰، صص ۵-۳۵
- پور احمدی، حسین؛ ذوالفقاری، مهدی (۱۳۸۸)، "دیپلماسی انرژی و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران"، مجله دانش سیاسی، سال پنجم، شماره ۱، صص ۷-۴۰
- پور عزت، علی اصغر (۱۳۹۸)، "شناسایی مولفه‌های ناظر بر رعایت عدالت بین نسلی در خط‌مشی بودجه‌ای ایران"، فصلنامه سیاست‌گذاری عمومی، سال پنجم، شماره ۲، صص ۶۵-۸۲
- رنجبر، همایون (۱۳۹۰)، "اثر الگوی تخصص بر رشد اقتصادی در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا"، فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی، سال پنجم، شماره ۱۶، صص ۱۰۱-۱۱۵
- سجاسی قیداری، حمداله (۱۳۹۳)، "تبیین راهبردهای توسعه سرویس‌ها و زیرساخت‌های ICT در کشور با رویکرد آمایش اقتصادی"، فصلنامه آمایش محیط، سال هشتم، شماره ۳۱، صص ۵۶-۷۱
- سلامی، سید رضا؛ گودرزی، مهدی (۱۳۹۵)، "راهکارهای بهبود نظام مالکیت فکری ایران در جهت توسعه تکنولوژی کشور"، فصلنامه مدیریت صنعتی، سال اول، شماره ۳، صص ۲۵-۴۶
- سلطانی، بهزاد (۱۳۹۶)، "مروری بر چالش‌های نظام ملی نوآوری ایران و ارائه سیاست‌ها و راه‌کارهایی برای بهبود آن"، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، سال هفتم، شماره ۲۳، صص ۳۵-۵۰
- سیف، اله مراد و همکاران (۱۳۹۳)، الگوی اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران
- فراهانی فرد (۱۳۸۶)، "عدالت بین نسلی در بهره‌برداری از منابع طبیعی"، فصلنامه اقتصاد اسلامی، سال هفتم، شماره ۲۵، صص ۹۶-۱۱۱
- ملک شاهی غلامرضا؛ وکیلی، صاحبه (۱۳۹۶)، "بررسی توزیع خدمات عمومی بر اساس عدالت اجتماعی"، جغرافیا و آمایش شهری منطقه‌ای، سال هفتم، شماره ۲۵، صص ۶۶-۸۳

- همو (۱۳۹۳)، راهبردهای بهره‌وری و اقتصاد ملی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران
- همو (۱۳۹۵)، اقتصاد مقاومتی: ضرورت‌ها، نقشه راه و زمینه‌های اجرا، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران
- همو (۱۳۹۹)، مسئله‌شناسی اقتصاد ایران از دریچه بیانیه گام دوم انقلاب، گزارش داخلی تهیه شده در دانشگاه جامع امام حسین(ع)، تهران
- _____، بیانیه گام دوم انقلاب خطاب به ملت ایران، قابل دسترسی در تارنمای Khamenei.ir
- _____ (۱۳۹۴)، الزامات تقویت دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در شرایط پسانحریم، معاونت پژوهش‌های سیاسی - حقوقی، دفتر مطالعات سیاسی، تهران





پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی